



سال چهارم شماره ۲۲۷ شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb



واکنش سپاه به پیشنهاد ترامپ

دنیای اقتصاد: معاون سیاسی سپاه: مذاکراتی با آمریکایی‌ها انجام نخواهد شد و آمریکایی‌ها هم جرأت اقدام نظامی علیه ما را نخواهند داشت. ترامپ فکر می‌کرد با تحریم‌ها و فشارهای جدیدی که آمریکا پس از خروج از برجام بر جمهوری اسلامی تحمیل می‌کند، ایران دچار نوعی به هم ریختگی داخلی می‌شود و در نهایت به مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا تن خواهد داد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد. در سال ۹۷ تصور تیم ترامپ بر این بود که ایران دچار یک آشفتگی خواهد شد و برای رهایی از فروپاشی تن به مذاکره با آمریکا خواهد داد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و آمریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که باید چیزهای دیگری را چاشنی این تحریم‌ها کنند.

معاون سیاسی سپاه تاکید کرد: در سال جاری شاهد این بودیم که از یک طرف سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند و از طرف دیگر ناو هواپیمابر خودشان را به منطقه اعزام کردند و یک نوع ادبیات جنگی را در پیش گرفتند. به نظر می‌رسد تصور آنها این است که اگر یک نوع ادبیات نظامی را چاشنی تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خودشان بکنند، ملت ایران مرعوب شده و دولتمردان جمهوری اسلامی تن به مذاکره می‌دهند. این همان چیزی است که ترامپ در سخنان اخیر خودش اعلام کرده که آماده است تا مقامات جمهوری اسلامی با او تماس بگیرند و پای میز مذاکره بنشینند. سردار جوانی اظهار کرد: آمریکایی‌ها دچار نوعی بر آشفتگی و عصبانیت هستند و به خاطر استیصالی که دارند هر آنچه در توان دارند به میدان آورده‌اند تا بتوانند مقاومت ۴۰ ساله ملت ایران را بشکنند و نماد این امر هم تن دادن جمهوری اسلامی به مذاکره تحت فشار با دولتمردان آمریکا است.

دو ماه دیگر قرار است چه اتفاقی بیفتد؟!

کیهان: ۱- دو ماه دیگر قرار است چه اتفاق جدیدی بیفتد؟ معجزه می‌شود و اروپایی که همواره دنباله‌رو و تسلیم آمریکا بوده و همواره با ما دشمنی و بدعهدی کرده، تغییر جوهری در هویت متصلب خود خواهد داد یا به مسیر گذشته ادامه می‌دهد. آیا واقعا کشف موضع اروپا دو ماه زمان خواهد برد؟

۲- اروپایی‌ها جواب موثر و سودبخشی ندارند بدهند، چون اراده مستقلى ندارند. جواب سؤال ما درباره دو ماه بعد، در سخنان چهارشنبه گذشته آقای روحانی نهفته است که به درستی گفت: «مشکل اروپا این است که آمریکا را کدخدا می‌داند. در مقام عمل متاسفانه ناتوان بودند. سال ۸۳ وقتی مذاکره می‌کردیم، مشکلی بود و آن اینکه اروپایی‌ها آمریکا را کدخدای خود می‌دانستند؛ الان اوضاع کمی بهتر شده ولی همچنان این تفکر وجود دارد.»

۳- گام بعدی ما چیست؟ دولت تدبیری اندیشیده یا نه؟ ما اکنون در حال زمان خریدن هستیم یا از دست دادن زمان و فرصت‌سوزی؟ اگر به اتمام حجت باشد که آقای روحانی همان ۱۸ اردیبهشت پارسال «چند هفته» به اروپایی‌ها فرصت داد و پس از آن هم آقایان ظریف و عراقچی، مهلت‌های دو ماهه را چهار پنج بار تمدید کردند اما این روند، به وعده‌های ضد برجامی و بی‌محتوایی نظیر راه‌اندازی کانال SPV و INSTEX منتهی شد!

۴- آقای روحانی خودش می‌گوید پانزده سال قبل هم اروپایی‌ها معطل کدخدا بودند و حالا نیز همان است. خب پس چرا باید همچنان معطل و امیدوار آنها یا معطل بازگشت دموکرات‌ها به دولت در آمریکا باشیم؟

۵- اکنون اجماع ملی کم‌نظیری درباره فرصت‌سوزی برجامی و خطا بودن وضعیت تعلیق و انتظار فراهم آمده که می‌تواند مقدمه خروج از بی‌عملی و معطلی فعلی باشد.

۶- شش سال از بهترین فرصت‌ها و ظرفیت‌های کشور، پای آرزواندیشی و رویاندیشی و سپس خاطره بازی با برجام تلف شد.

۷- حالا هم دیر نیست. جلو ضرر را از هر جا بگیرند، منفعت است. فقط باید خواست و اراده کرد. خواستن است که توانستن را با خود می‌آورد و «ما می‌توانیم» را واقعیت می‌بخشد. بارها توانسته‌ایم و باز هم می‌توانیم.

حضور مهاجران افغانستانی برای اقتصاد ایران، فرصت یا تهدید؟

- الف: ۱-** درست است که مهاجران افغانستانی در حال حاضر بیش از ۲.۵ میلیون فرصت شغلی در کشور را در اختیار دارند اما این تحلیل که بازگشت ایشان موجب افزایش فرصت‌های شغلی برای بیکاران موجود کشور گردد، غیرواقعی هست، چراکه بخش اعظم مهاجران افغانستانی در حوزه خدمات شهری و نیز شغل‌های پایین‌دستی صنعت ساختمان و عمران کشور مشغول هستند و این رده‌های شغلی با شرایط و ویژگی‌های نیروی جویای کار ایران تناسبی ندارد.
- ۲-** این احتمال وجود دارد که در صورت خروج مهاجرین، به سبب اینکه بخش قابل توجهی از شغل این عزیزان در شهرهای بزرگ است، به جهت جذابیت‌های شهری، موجب مهاجرت کشاورزان و روستائیان به شهرها جهت تصاحب فرصت‌های شغلی پیش‌آمده گردد و این امر مهاجرت روستائیان و حاشیه‌نشینی شهرها را افزایش می‌دهد.
- ۳-** خروج این مهاجرین، موجب کمبود نیروی کار برای این مشاغل شده و عملاً هزینه‌های نیروی کار و تولید بخصوص در صنعت ساختمان و امور عمرانی، به شدت افزایش می‌یابد.
- ۴-** برخی صنایع ایران که تولیدات آن‌ها قابلیت رقابتی داشته و به جهت کیفیت و قیمت پایین، از اولویت‌های صادراتی کشور محسوب می‌گردند در اختیار نیروی کار افغانستانی‌هاست.
- ۵-** حضور خانواده‌های افغانستانی در ایران، موجب رفت‌وآمد خانواده‌های افغانستانی بین ایران و افغانستان گردیده است. سالانه میلیون‌ها افغانستانی به جهت دیدوبازدید اقوام خود به ایران سفر می‌کنند که این امر فواید اقتصادی و ارزآوری قابل توجهی برای ایران دارد.
- ۷-** صادرات به کشور افغانستان طی سال گذشته به رقم حدود ۳ میلیارد دلار رسید که از ۸۸ گمرک و منطقه اقتصادی صورت پذیرفته است. این در حالی است که این رقم تا چندین برابر قابل افزایش است. برخورد سلبی با حضور مهاجران و ایجاد فضای تنش بین ملت دو کشور، قطعاً در کاهش این میزان صادرات تأثیر خواهد داشت.
- ۸-** و نکته آخر اینکه، سرمایه اجتماعی بین کشورهای همسایه در اقتصاد بین‌الملل، نقش بسزایی در شاخص‌های اقتصادی کشورها دارد. همین سرمایه و اعتماد اجتماعی موجب تعامل و همکاری ملت‌ها و دولت‌ها در بحران‌های مختلف می‌گردد. درمجموع حضور مهاجرین افغانستانی موجب کاهش هزینه نیروی کار، رونق تولید، رقابت‌پذیری کالای ایرانی، افزایش توریست، امکان افزایش صادرات غیرنفتی و نهایتاً ارتقاء سرمایه اجتماعی فی‌مابین ملت‌ها می‌گردد.



گزارش روز / انکار ناپذیر

پایگاه بصیرت - سید فخرالدین موسوی: یادداشت: «داریوش قنبری» فعال اصلاح طلب و از نمایندگان ادوار مجلس به تازگی در مصاحبه‌ای گفته بود: «اینکه ریشه مسائل و مشکلات فعلی کشور را به دولت نسبت دهیم و بگوییم او مقصر است، بی‌انصافی کرده‌ایم! مشکلات امروز، از بیرون توسط آمریکایی‌ها مخصوصاً بعد از روی کار آمدن ترامپ بر دولت تحمیل شد. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نخستین تأثیر منفی خود را روی سیاست خارجی و اقتصاد ایران گذاشت.» صادق زیباکلام از طرفداران معروف دولت تدبیر و امید، که چند سالی است از دولت روحانی ناامید شده، در یادداشتی عنوان کرده است: «هیچ دولتی با کمک هیچ اقتصاددانی و به کمک هیچ‌گونه برنامه‌ای نمی‌تواند جلوی تورم و گرانی را بگیرد. آقایان نویخت، واعظی یا همتی که جای خود دارند. در شرایط حاضر اگر مسئولیت اقتصادی دولت را حتی به «جان مینارد کینز»، «آدام اسمیت» و دیگران می‌سپردیم نیز هیچ فرقی نمی‌کرد. وقتی اعتمادی نسبت به آینده وجود داشته باشد، هیچ دولتی نمی‌تواند جلوی تورم و گرانی را بگیرد.» و جملاتی دیگر از این دست که این روزها از سوی چهره‌های نزدیک به جریان اصلاحات مطرح می‌شود، تازه‌ترین نوع تلاش برای کاهش انتقادات و نارضایتی از دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان و نمایندگان اصلاح طلب مجلس است. آنها که هیچ کارنامه قابل قبولی برای ارائه ندارند، به دنبال دلیل تراشی برای عملکرد غیر قابل قبول اصلاح‌طلبان هستند؛ روشی که البته پیشتر با طرح مباحثی مانند «دولت موازی» یا «دولت پنهان» مطرح شده و به دلیل استقبال نکردن مردم و نپذیرفتن از سوی افکار عمومی شکست خورده بود! سرنوشتی که احتمالاً در انتظار این راه حل و طرح مباحث جدید نیز خواهد بود؛ چرا که تعلل، خطای محاسباتی، تبلی و فقدان مدیریت در برابر چشمان مردم است و این عمل و آثار سوء آن با هیچ گفتاری درمان نمی‌شود و با جمله‌سازی و بهانه‌تراشی‌های کودکانه نمی‌توان ناکارآمدی را انکار کرد.

آموزش تحلیل سیاسی

به هم رحم کنید تا خدای متعال به شما رحم کند. کسانی که زرنگی و هوش و امکانات و قدرت و مسؤولیت و توانایی‌های گوناگون فردی و اجتماعی دارند، از این توانایی‌ها در راه تعدی به دیگران استفاده نکنند. خود را بنده خدا بدانیم؛ در مقابل بقیه بندگان خدا، خود را موظف به همراهی، احسان، نیکی و رعایت انصاف بدانیم؛ آن‌گاه باران رحمت و فضل خدا بر سر ما خواهد بارید و برکات خود را بر ما نازل خواهد کرد.

حکم فریدون و هشدار به عدالتخواهان!

وطن امروز: تحلیل وضعیت کنونی کشور به هیچ روی کار آسانی نیست. دشواری و ابهام مذکور نیز بیش از هر چیز معلول عملکرد نامشخص مجموعه دولت در رابطه با مسائل مختلف است. هیچ‌کس نمی‌داند دولت دست آخر همچنان معتقد به بازار آزاد است یا به کوپنی کردن برخی اقلام و کنترل نرخ‌ها رضایت خواهد داد؟! شواهد می‌گویند خود دولت هم دقیقاً نمی‌داند! در موارد مشابه و متعدد دیگر هم وضعیت همین است.

بنزین، برجام، طرح تحول سلامت، حذف یارانه ثروتمندان، تعطیلی یا تداوم دلار جهانگیری و یک لیست بلندبالا در حوزه‌های مختلف را می‌توان به این فهرست افزود. کارها مدت‌هاست در وضعیت برزخی مانده است. انگار استخاره آقایان، میانه آمده باشد یا چیزی شبیه این! همزمان با این بی‌عملی که در برخی حوزه‌ها به انگاره بی‌دولتی محض دامن می‌زند، در حوزه فضای مجازی، مجموعه افکار عمومی کشور حکم گوشت قربانی را پیدا کرده‌اند. فضایی که با تاخت و تاز شبکه‌های اجتماعی خارجی، ما تقریباً هیچ حاکمیت خاصی بر آن نداریم و دولت هم ظاهراً از این وضعیت بدش نمی‌آید!

در میان تعدد سوژه‌ها اما «صدر حکم حبس حسین فریدون، برادر رئیس‌جمهور مستقر» طی روزهای گذشته را می‌توان به عنوان یکی از این نقاط روشن و مثبت در زمینه مبارزه با فساد بر سر دست گرفت. امری که ظاهراً در نگاه کسانی که دغدغه عدالت هم دارند، چندان واجد ارزش پرداخت و اهمیت نبوده است! این در حالی است که برخورد دستگاه عدلیه با مفاسد نزدیکان رئیس‌جمهور مستقر هیچ‌گاه چنین مستحکم، قاطع و بدون مماشات نبوده است. صدر حکم حبس برای یکی از اقوام درجه یک رئیس‌جمهور مستقر با توجه به پرونده روشن او می‌تواند این معنای بدیهی را داشته باشد که عزم کاملاً قاطعی در برخورد با فساد وجود دارد؛ عزمی که می‌تواند هیچ استثنایی در بر نداشته باشد.